

«قوم و نژاد پرستی را بخاطر قربانی که هر قوم و نژاد افغانستان برای آن داده است متوقف سازید!»

در مقاله یی که بزبان انگلیسی در صفحه انترنتی پژواک در مورد کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ در افغانستان بنشر رسیده، یکبار دیگر همانند انتخابات ریاست جمهوری گذشته اسمای کاندیدان با وابستگی های نژادی آنان ذکر گردیده بود.

در بخشی از این مقاله بزبان انگلیسی نوشته شده است، تحلیل روی کاندیدان ممکن این انتخابات به این شکل بیان شده است: " آقای اشرف غنی (پشتون) و آقای جلالی (پشتون) هر یک تصمیم دارند تا در این انتخابات شرکت کنند و داکتر عبدالله (تاجیک) نیز یکی از کاندیدان احتمالی در کنار کاندیدان دیگر مثل رمضان بشردوست (هزاره) " آیا هنوز بعد از چند دهه در کشوری که در عقب ماندگی محض یخ زده است، ایا هنوز بعد از کشته شدن میلیون ها تن، بعد از جنگ، بعد از انزجاری که انگار هیچ خونی آنرا فرو نمی نشاند، بعد از رنج و زجری که همه ما بنوعی کشیده ایم و قصاص آنرا پس داده ایم شایسته است که باز هم این کهنه ترفند را دوباره برای فریفتن مردم این کشور روی دست گیریم.

وقتی صحبت از انتخابات آینده افغانستان به میان آید، دیگران را نمی دانم ولی من شخصا از نژاد از قوم از قبیله خسته ام، دانستن نژاد یک کاندید، وابستگی قومی یک کاندید، قابلیت تکلم یک کاندید بزبان دری یا پشتو برای مطرح نیست و اهمیتی ندارد، من علاقه یی به دانستن شجره خانوادگی هیچ کاندیدی ندارم، برایم مهم نیست که شاه است یا گدا، که از دودمان دلیران جنگیست و یا از مترسکان مزرعه گندم، که پدر و پدر کلانش چی کرده و یا خون وی به کدام شخصیت مقدس بر میگردد.

برای من موضوع مطرح در انتخابات سال آینده افغانستان، همان موضوعیست که در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده باعث شد تا مردم برای اولین بار در تاریخ انتخابات این کشور با چشمانی اشک الود، با دلی مملو از امید، با افکاری روشن و واضح و اراده مصمم به پای صندوق های رای کشانیده شوند، و آن نجات یک کشور از ورطه سقوط بود.

مردم افغانستان میخواهند بدانند که کاندید آینده انتخابات ریاست جمهوری چقدر قادر است تا واقعا یک سیستم عادلانه حکومتی را تشکیل دهد که در آن همه در برابر قانون مساوی و برابر بوده و با کسی بالاتر از قانون برخورد صورت نگیرد و قانونا با رشوت، فساد اداری و سو استفاده های از این نوع برخورد صورت گیرد.

مردم افغانستان میخواهند بدانند که کاندید انتخابات ریاست جمهوری چگونه میخواهد وقتی که آنان بیخبر در صف ناوایی ایستاده اند از تکه تکه شدن شان در انفجار های انتحاری جلوگیری کند و از مرز هایش دفاع نموده و کشور همسایه پاکستان را مجبور به عدم دخالت در امور افغانستان بنماید.

مردم افغانستان میخواهند بدانند که کاندید این انتخابات چگونه میتواند با گروهی که با البسه پولیس در روز روشن عزیزانشان را برای دریافت پول اختطاف میکند و بعد جسدش را با سر بریده باز میگردد مبارزه کند.

مردم افغانستان میخواهند بدانند که کاندید این انتخابات چگونه دختران کوچک شان را از چنگ وحشی صفتانی که آنان را میدزدند و یا در راه مکتب بر صورتشان اسید میپاشند حفاظت کند.

مردم افغانستان میخواهند بدانند که کاندید این انتخابات چگونه برای پسران جوان شان که از بیکاری آماده هر کاری هستند و گاه از فرط احتیاج به بستن بوم بخود هم راضی میشوند کار فراهم می آورد و محیطی سالم را برای جمعیت جوانی که بیش از نیمی از جمعیت افغانستان را تشکیل میدهد فراهم میکند.

مردم افغانستان میخواهند بدانند که کاندید این انتخابات چگونه حساب پول های را که برای کمک به آنان از جانب جامعه جهانی در طول هفت سال به افغانستان سرازیر گردید و در جیب های تعداد محدودی فرو ریخت به آنان پس خواهد داد.

مردم افغانستان میخواهند بدانند که کاندید این انتخابات چگونه به ساده ترین احتیاجات آنان که همانا آب سالم آشامیدنی، برق، امکانات بهداشتی و مسکن است رسیدگی خواهد کرد.

مردم افغانستان میخواهند بدانند که کاندید انتخابات چگونه میخواهد تا فرصت تجربه یک زندگی آرام مملو از صلح و ثبات را برایشان به ارمغان بیاورد.

مردم افغانستان خسته اند، مردم افغانستان گرسنه اند، مریض اند، محتاج اند، مظلوم رنج و درد دیده اند، مردم افغانستان در انتظار کسی هستند که از ملت باشد و درد ملت را حس کند، که بتواند ریشه های سرطانی اختلاف و نزاع بر سر قدرت و فساد را بشکند و فرصت یک زندگی آرام را برایشان به ارمغان بیاورد.

حال اگر این کاندید مثل بارک اوباما از اقلیت باشد، یا از اکثریت، یا مسلمان یا گبری، یا به دو زبان تسلط داشته باشد و یا کاملاً لال باشد، یا جوان یا پیر برایشان مهم نیست، فقط بتواند که نجات شان دهد، بتواند این کشتی شکسته در ورطه سقوط افغانستان را بعد از بیش از چهار دهه به ساحلی هدایت کند.

اگر میخواهید به مردم افغانستان در انتخابات آینده کمک کنید و به آنان در مورد کاندیدان معلومات بدهید، لطفاً کمی در مورد رشته تحصیلی، تجارب، اهداف، قابلیت و درایت سیاسی، شخصیت، فهم و آشنایی یک کاندید با اوضاع پیچیده افغانستان و پلان کاری موثر وی جهت ختم معضلات و مشکلات لاینحل این کشور تشریح بدهید و بنوسید و نه وابستگی قومی آنان.

مردم افغانستان خواهان رئیس جمهوری هستند که بزبان ملت صحبت کند، مردم افغانستان رئیس جمهوری میخواهند که از مردم از ملت باشد که مشکلات و درد و رنج مردم را درک کند، مردم افغانستان از آنانی که با مهره های قومی برای کسب اهداف خویش بازی میکنند خسته اند. مردم افغانستان در حساس ترین شرایط مملو از معضلات امنیتی به رئیس جمهوری احتیاج دارند که بتواند هر روز از کشته شدن ده ها کودک و زن و پیر و جوان جلوگیری کند. مردم افغانستان فقط آروز دارند تا در یک محیط آرام زندگی کنند.

استفاده از این الفاظ فقط نفاق و دوری را در میان ملت واحد افغانستان ایجاد میکند، ما دوری نفاق و عدم اتحاد را برای بیش از سی سال تجربه کرده ایم و نتیجه آن چیزی بجز از ویرانی و بدبختی برای تمام افغان ها، چی تاجیک چی پشتون چی هزاره و دیگر اقوام به همراه نداشت، بیانید، در حالیکه دنیا برای اولین بار فقط یکماه قبل شکستن تابو تبعیض نژادی را در امریکا با انتخاب بارک اوباما به تجلیل نشست، ما کشور خود را بار دیگر در ورطه قوم پرستی و زبان پرستی غرق نگردانیم که باز هم ما کشته خواهیم شد، ما ویران خواهیم شد، ما خواهیم باخت، ما بیچاره تر از هر کشور دیگری خواهیم گشت و دیگران همچنان با سرعت بسمت انکشاف و پیشرفت در حرکت خواهند بود و افغانستان در انزوا و وحشت.

"من افغانم"

نی ز ازبک، نه بلوچم نی ز ایماق سترگم
نی دورنگم، نی دروغم، نی فسادم، نی شریکم
نی ز کوی فتنه پیشان، نی پی تشویق فرقم
نی زر اندوزم، نه نوکر، نی کلاه فتنه بر سر
ما همه افغان و افغان سر بر سر با هم برابر
فصل هایت بی نظیر و مردمانت با کمالند
مرده بادا هر که بردست صلح میهن را بغارت
دست مایان را چو زنجیر، متحد، با هم پریدن
دور بادا از وجودت تکه های راکت و بم
زنده بادا، زنده بادا، کشورم، افغانستانم

من نه تاجیکم نه پشتون، نی هزاره نه ز ترکم
من به مذهب نی ز سنی، نی ز شیعه، نه ز سیکم
نی شمالی، نی جنوبی، نه ز غربیم، نه ز شرقم
نی بفکر جنگ لفظم، نی بفکر تهمت و شر
خطه ام افغان ستانست، خاک آن از من سراسر
رود و دریایت خروشان، کوهسارت با جلالند
پاک بادا خطه من از کف شر و شرارت
خاک بادا بر دو چشمی کو ندارد تاب دیدن
مرگ بر خصمت همیشه، شاد زی بی درد ماتم
سبز بادا، سبز بادا، نام تو بر جسم و جانم

پایان